

ایران جشنواره فیلم فجر

40th FAJR FILM FESTIVAL

ضمنیهمه‌چهلمین جشنواره فیلم فجر

چهره‌روز - به بهانه حضور مصطفی زمانی در «بدون قرار قبلی»

شمایل جوان عاصی

صفحه ۱۴

گپ روز - هادی محقق از کارگردانی فیلم «درب» به «ایران» گفته است

ایستایی اخلاق در برابر موقعیت‌ها

صفحه ۱۵

نداشتیم. در حال حاضر که یادمان می‌افتد روز اول چه سؤال‌هایی از خلبان‌ها می‌کردیم می‌خندیم. چون راه را نمی‌شناختیم ولی در این مسیر آنقدر کتاب خواندیم و با خلبان‌ها صحبت کردیم که مسلط شدیم. **حیدری:** ما دوست داشتیم وقتی کسی این فیلم را می‌بیند و با مقوله خلبانی و افتاد و مخاطب اکنون با یک فیلم روی پرده مواجه است.

از ابتدا هیچ فرضی نسبت به موضوع نداشتید؟
حیدری: خیر نداشتیم. وقتی می‌خواستیم این فیلم را تحقیق کنیم و بنویسیم ما هم مثل مخاطبی که فیلم را ندیده هیچ ذهنیتی نسبت به موضوع نداشتیم. اما پس از پایان تحقیقات و نگارش فیلمنامه وارد تولید شدیم و وقتی شروع کردیم با یک فیلمنامه کاملاً تخصصی مواجه بودیم. روزی که کار ما تمام شد یکی از فرماندهان همدان یک دستمال خلبانی انداخت گردن من و گفت می‌خواهم تشکر کنم که اینقدر تخصصی روی این موضوع کار می‌کنید. به همین دلیل فیلم «۲۸۸۸» تجربه سختی بود ولی این آدم‌ها برای ما جذاب بود و اما نادیده گرفته شدن، نامهربانی کردن با این آدم‌های کیفی من و علی و تیم فیلمسازی را مجاب کرد سختی‌ها را تحمل کنیم تا بتوانیم فیلمی بسازیم که دوست داریم. ما در «۲۸۸۸» درباره آدم‌هایی حرف زدیم که آنها را دوست داریم زیرا آنها به گردن همه ما خیلی حق دارند.

از ابتدا هیچ فرضی نسبت به موضوع نداشتید؟
حیدری: خیر نداشتیم. وقتی می‌خواستیم این فیلم را تحقیق کنیم و بنویسیم ما هم مثل مخاطبی که فیلم را ندیده هیچ ذهنیتی نسبت به موضوع نداشتیم. اما پس از پایان تحقیقات و نگارش فیلمنامه وارد تولید شدیم و وقتی شروع کردیم با یک فیلمنامه کاملاً تخصصی مواجه بودیم. روزی که کار ما تمام شد یکی از فرماندهان همدان یک دستمال خلبانی انداخت گردن من و گفت می‌خواهم تشکر کنم که اینقدر تخصصی روی این موضوع کار می‌کنید. به همین دلیل فیلم «۲۸۸۸» تجربه سختی بود ولی این آدم‌ها برای ما جذاب بود و اما نادیده گرفته شدن، نامهربانی کردن با این آدم‌های کیفی من و علی و تیم فیلمسازی را مجاب کرد سختی‌ها را تحمل کنیم تا بتوانیم فیلمی بسازیم که دوست داریم. ما در «۲۸۸۸» درباره آدم‌هایی حرف زدیم که آنها را دوست داریم زیرا آنها به گردن همه ما خیلی حق دارند.

«۲۸۸۸» امروز بین مستند و داستانی حرکت می‌کند.
علی محمدی: در ساخت این فیلم ما یک لوح سفید بودیم و هیچ ذهنیتی

می‌سازد یا در ژانر وحشت تجربه می‌کند بهترین را می‌سازد، چون روی سینما مسلط است و من و علی به دلیل علاقه به سینمای تجربه‌گرا دنبال ساخت این فیلم رفتیم و معتقدم فیلم «۲۸۸۸» برای ما یک میج‌اندازی بزرگ بود تا ۸ سال جنگ تحمیلی را از درون یک اتاق تاریک و تنها از طریق صدا روایت کنیم و خب این اتفاق افتاد و مخاطب اکنون با یک فیلم روی پرده مواجه است.

از ابتدا هیچ فرضی نسبت به موضوع نداشتید؟

حیدری: خیر نداشتیم. وقتی می‌خواستیم این فیلم را تحقیق کنیم و بنویسیم ما هم مثل مخاطبی که فیلم را ندیده هیچ ذهنیتی نسبت به موضوع نداشتیم. اما پس از پایان تحقیقات و نگارش فیلمنامه وارد تولید شدیم و وقتی شروع کردیم با یک فیلمنامه کاملاً تخصصی مواجه بودیم. روزی که کار ما تمام شد یکی از فرماندهان همدان یک دستمال خلبانی انداخت گردن من و گفت می‌خواهم تشکر کنم که اینقدر تخصصی روی این موضوع کار می‌کنید. به همین دلیل فیلم «۲۸۸۸» تجربه سختی بود ولی این آدم‌ها برای ما جذاب بود و اما نادیده گرفته شدن، نامهربانی کردن با این آدم‌های کیفی من و علی و تیم فیلمسازی را مجاب کرد سختی‌ها را تحمل کنیم تا بتوانیم فیلمی بسازیم که دوست داریم. ما در «۲۸۸۸» درباره آدم‌هایی حرف زدیم که آنها را دوست داریم زیرا آنها به گردن همه ما خیلی حق دارند.

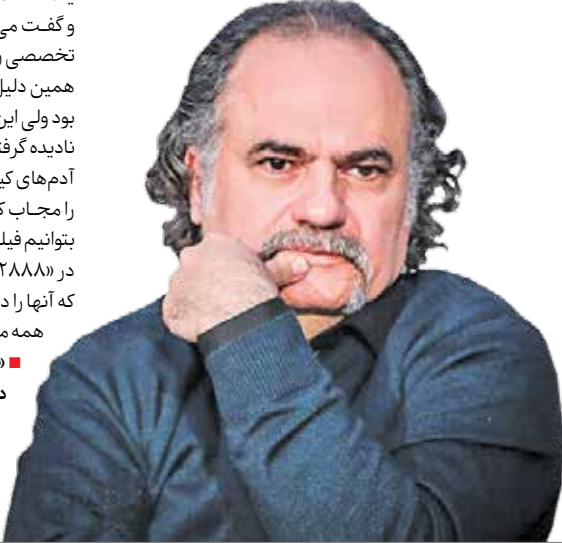
«۲۸۸۸» امروز بین مستند و داستانی حرکت می‌کند.
علی محمدی: در ساخت این فیلم ما یک لوح سفید بودیم و هیچ ذهنیتی

بود. او پروازهایی داشت که هیچ فردی فکر نمی‌کرد از آن جان سالم به در ببرد. محمود اسکندری از پرواز بغداد، بالابشگاه کرکوک ساله برگشته بود و باز هیچ فردی نمی‌داند که چگونه اسکندری بعد از جنگ در تصادف با پراید کشته شد. **حیدری:** من فکرمی‌کنم اگر تماشاگر علاقه‌مند باشد و آدم‌هایی را ببیند که شبیه آن را در دیگر فیلم‌های ایرانی ندیده، این فیلم و مقوله جنگ می‌تواند برای او تجربه جذابی باشد.

از تصویر من دور بود که کیوان علی محمدی به‌عنوان یک فیلمساز با کارنامه کاری مشخصی که دارد و حال و هوای سینمای متفاوتی که از او می‌شناسم، فیلمی بامشخصه‌های سینمای جنگ ببینم، چرا؟
علی محمدی: واقعیت این است که اگر فیلمساز سینما را خوب بشناسد و در عین حال موضوع برای فیلمساز جذاب باشد؛ فیلم در هر ژانری که باشد، ساخته می‌شود. همان‌طور که کوبریک وقتی فیلم جنگی

فکر می‌کنید مخاطب «۲۸۸۸» آن هدفی را که شما برای ساخت این فیلم در نظر داشتید، درک می‌کند؟
حیدری: به نظر من مخاطب خودش باید تصمیم بگیرد که آیا دوست دارد با دارم و برای من لذت بخش است، انجام می‌دهم. کاری که پراز چالش و تجربه باشد و فیلم «۲۸۸۸» برای من این ویژگی‌ها را داشت. **ایده فیلم «۲۸۸۸» از کجا آمد؟**
علی محمدی: از یک مصاحبه شکل گرفت. تیمسار شهرام رستمی در آن مصاحبه تعریف می‌کرد زمان جنگ به‌عنوان یک خلبان شکاری اف-۱۴ پرواز می‌کرد و ادامه داد در آن زمان فردی به اسم بیژن عاصم در اتاق عملیات بوده که آنقدر در کار خود متخصص بوده که ما حاضر شدیم جان خود را دست او بدهیم. این خاطره در آن مصاحبه برای من و علی موتور محرک شد. هدف ما این بود که جنگ را از درون یک اتاق تاریک روایت کنیم. آدمی که پای دستگانه نشسته و دارد هدایت می‌کند. می‌گویند فرانسویس فورده کاپولا رفت سینما فیلم آگران‌دیسمان آنتونیونی را دید و گفت اگر بخوایم این فیلم را به‌صورت صوتی بسازیم تجربه جذابی می‌شود و بعد رفت فیلم «مکالمه» را ساخت. این مثال را زدیم تا بگویم برای ما وجه صوتی جنگ جذاب بود و فکر کردیم تجربه ساخت یک فیلم صوتی را کسب کنیم. به نظر من کسب چنین تجربه‌ای برای هر فیلمسازی جزء آرزوهاست. دیگر اینکه هر فیلمسازی دوست دارد در کارنامه کاری خود یک فیلم سیاه و سفید بسازد. فیلم «۲۸۸۸» جنگ را از جهت صدا روایت می‌کند و مخاطب مجبور است خوب بشنود تا بتواند خوب تخیل بکند. در واقع با این فیلم به مخاطب کمک کردیم جنگ را تخیل کند.

از خلبان‌های دوران جنگ آماری دارید؟
علی محمدی: این آمار را در تحقیقات به دست آوردیم و براساس پژوهش‌های ما زمانی که انقلاب شد، حدود ۳ هزار خلبان آموزش دیده داشتیم که می‌توانستند در صورت وقوع جنگ وارد خاک دشمن شوند و از میهن دفاع کنند. اما روزی که جنگ شروع می‌شود فقط ۶۹۰ خلبان بودند. واقعیت این است تفکری که دنبال از صحنه بیرون کردن نیروهای کیفی ایران بود دست روی نقطه حساسی گذاشته بود. ۶۹۰ خلبان، ۱۲۶ نفر از آنها را در سه ماه اول جنگ از دست دادیم و تا کنون کسی درباره آنها حرف نزده یا کمتر حرفی به میان است. یا حداقل من نتواندم و ندیدم که نویسند یا فیلمسازی درباره محمود اسکندری حرف زده باشد. همین اندازه بگویم کم که او قهرمان جنگ بود و در عملیات‌های بسیاری شرکت کرده



روزهای سختی خواهیم داشت به همین دلیل آنچه باعث می‌شود روزهای سختم انجام دهم، بنابراین کاری را که دوست دارم و برای من لذت بخش است، انجام می‌دهم. کاری که پراز چالش و تجربه باشد و فیلم «۲۸۸۸» برای من این ویژگی‌ها را داشت. **ایده فیلم «۲۸۸۸» از کجا آمد؟**
علی محمدی: از یک مصاحبه شکل گرفت. تیمسار شهرام رستمی در آن مصاحبه تعریف می‌کرد زمان جنگ به‌عنوان یک خلبان شکاری اف-۱۴ پرواز می‌کرد و ادامه داد در آن زمان فردی به اسم بیژن عاصم در اتاق عملیات بوده که آنقدر در کار خود متخصص بوده که ما حاضر شدیم جان خود را دست او بدهیم. این خاطره در آن مصاحبه برای من و علی موتور محرک شد. هدف ما این بود که جنگ را از درون یک اتاق تاریک روایت کنیم. آدمی که پای دستگانه نشسته و دارد هدایت می‌کند. می‌گویند فرانسویس فورده کاپولا رفت سینما فیلم آگران‌دیسمان آنتونیونی را دید و گفت اگر بخوایم این فیلم را به‌صورت صوتی بسازیم تجربه جذابی می‌شود و بعد رفت فیلم «مکالمه» را ساخت. این مثال را زدیم تا بگویم برای ما وجه صوتی جنگ جذاب بود و فکر کردیم تجربه ساخت یک فیلم صوتی را کسب کنیم. به نظر من کسب چنین تجربه‌ای برای هر فیلمسازی جزء آرزوهاست. دیگر اینکه هر فیلمسازی دوست دارد در کارنامه کاری خود یک فیلم سیاه و سفید بسازد. فیلم «۲۸۸۸» جنگ را از جهت صدا روایت می‌کند و مخاطب مجبور است خوب بشنود تا بتواند خوب تخیل بکند. در واقع با این فیلم به مخاطب کمک کردیم جنگ را تخیل کند.

از خلبان‌های دوران جنگ آماری دارید؟
علی محمدی: این آمار را در تحقیقات به دست آوردیم و براساس پژوهش‌های ما زمانی که انقلاب شد، حدود ۳ هزار خلبان آموزش دیده داشتیم که می‌توانستند در صورت وقوع جنگ وارد خاک دشمن شوند و از میهن دفاع کنند. اما روزی که جنگ شروع می‌شود فقط ۶۹۰ خلبان بودند. واقعیت این است تفکری که دنبال از صحنه بیرون کردن نیروهای کیفی ایران بود دست روی نقطه حساسی گذاشته بود. ۶۹۰ خلبان، ۱۲۶ نفر از آنها را در سه ماه اول جنگ از دست دادیم و تا کنون کسی درباره آنها حرف نزده یا کمتر حرفی به میان است. یا حداقل من نتواندم و ندیدم که نویسند یا فیلمسازی درباره محمود اسکندری حرف زده باشد. همین اندازه بگویم کم که او قهرمان جنگ بود و در عملیات‌های بسیاری شرکت کرده

روزهای سختی خواهیم داشت به همین دلیل آنچه باعث می‌شود روزهای سختم انجام دهم، بنابراین کاری را که دوست دارم و برای من لذت بخش است، انجام می‌دهم. کاری که پراز چالش و تجربه باشد و فیلم «۲۸۸۸» برای من این ویژگی‌ها را داشت. **ایده فیلم «۲۸۸۸» از کجا آمد؟**
علی محمدی: از یک مصاحبه شکل گرفت. تیمسار شهرام رستمی در آن مصاحبه تعریف می‌کرد زمان جنگ به‌عنوان یک خلبان شکاری اف-۱۴ پرواز می‌کرد و ادامه داد در آن زمان فردی به اسم بیژن عاصم در اتاق عملیات بوده که آنقدر در کار خود متخصص بوده که ما حاضر شدیم جان خود را دست او بدهیم. این خاطره در آن مصاحبه برای من و علی موتور محرک شد. هدف ما این بود که جنگ را از درون یک اتاق تاریک روایت کنیم. آدمی که پای دستگانه نشسته و دارد هدایت می‌کند. می‌گویند فرانسویس فورده کاپولا رفت سینما فیلم آگران‌دیسمان آنتونیونی را دید و گفت اگر بخوایم این فیلم را به‌صورت صوتی بسازیم تجربه جذابی می‌شود و بعد رفت فیلم «مکالمه» را ساخت. این مثال را زدیم تا بگویم برای ما وجه صوتی جنگ جذاب بود و فکر کردیم تجربه ساخت یک فیلم صوتی را کسب کنیم. به نظر من کسب چنین تجربه‌ای برای هر فیلمسازی جزء آرزوهاست. دیگر اینکه هر فیلمسازی دوست دارد در کارنامه کاری خود یک فیلم سیاه و سفید بسازد. فیلم «۲۸۸۸» جنگ را از جهت صدا روایت می‌کند و مخاطب مجبور است خوب بشنود تا بتواند خوب تخیل بکند. در واقع با این فیلم به مخاطب کمک کردیم جنگ را تخیل کند.

از خلبان‌های دوران جنگ آماری دارید؟
علی محمدی: این آمار را در تحقیقات به دست آوردیم و براساس پژوهش‌های ما زمانی که انقلاب شد، حدود ۳ هزار خلبان آموزش دیده داشتیم که می‌توانستند در صورت وقوع جنگ وارد خاک دشمن شوند و از میهن دفاع کنند. اما روزی که جنگ شروع می‌شود فقط ۶۹۰ خلبان بودند. واقعیت این است تفکری که دنبال از صحنه بیرون کردن نیروهای کیفی ایران بود دست روی نقطه حساسی گذاشته بود. ۶۹۰ خلبان، ۱۲۶ نفر از آنها را در سه ماه اول جنگ از دست دادیم و تا کنون کسی درباره آنها حرف نزده یا کمتر حرفی به میان است. یا حداقل من نتواندم و ندیدم که نویسند یا فیلمسازی درباره محمود اسکندری حرف زده باشد. همین اندازه بگویم کم که او قهرمان جنگ بود و در عملیات‌های بسیاری شرکت کرده

روزهای سختی خواهیم داشت به همین دلیل آنچه باعث می‌شود روزهای سختم انجام دهم، بنابراین کاری را که دوست دارم و برای من لذت بخش است، انجام می‌دهم. کاری که پراز چالش و تجربه باشد و فیلم «۲۸۸۸» برای من این ویژگی‌ها را داشت. **ایده فیلم «۲۸۸۸» از کجا آمد؟**
علی محمدی: از یک مصاحبه شکل گرفت. تیمسار شهرام رستمی در آن مصاحبه تعریف می‌کرد زمان جنگ به‌عنوان یک خلبان شکاری اف-۱۴ پرواز می‌کرد و ادامه داد در آن زمان فردی به اسم بیژن عاصم در اتاق عملیات بوده که آنقدر در کار خود متخصص بوده که ما حاضر شدیم جان خود را دست او بدهیم. این خاطره در آن مصاحبه برای من و علی موتور محرک شد. هدف ما این بود که جنگ را از درون یک اتاق تاریک روایت کنیم. آدمی که پای دستگانه نشسته و دارد هدایت می‌کند. می‌گویند فرانسویس فورده کاپولا رفت سینما فیلم آگران‌دیسمان آنتونیونی را دید و گفت اگر بخوایم این فیلم را به‌صورت صوتی بسازیم تجربه جذابی می‌شود و بعد رفت فیلم «مکالمه» را ساخت. این مثال را زدیم تا بگویم برای ما وجه صوتی جنگ جذاب بود و فکر کردیم تجربه ساخت یک فیلم صوتی را کسب کنیم. به نظر من کسب چنین تجربه‌ای برای هر فیلمسازی جزء آرزوهاست. دیگر اینکه هر فیلمسازی دوست دارد در کارنامه کاری خود یک فیلم سیاه و سفید بسازد. فیلم «۲۸۸۸» جنگ را از جهت صدا روایت می‌کند و مخاطب مجبور است خوب بشنود تا بتواند خوب تخیل بکند. در واقع با این فیلم به مخاطب کمک کردیم جنگ را تخیل کند.

از خلبان‌های دوران جنگ آماری دارید؟
علی محمدی: این آمار را در تحقیقات به دست آوردیم و براساس پژوهش‌های ما زمانی که انقلاب شد، حدود ۳ هزار خلبان آموزش دیده داشتیم که می‌توانستند در صورت وقوع جنگ وارد خاک دشمن شوند و از میهن دفاع کنند. اما روزی که جنگ شروع می‌شود فقط ۶۹۰ خلبان بودند. واقعیت این است تفکری که دنبال از صحنه بیرون کردن نیروهای کیفی ایران بود دست روی نقطه حساسی گذاشته بود. ۶۹۰ خلبان، ۱۲۶ نفر از آنها را در سه ماه اول جنگ از دست دادیم و تا کنون کسی درباره آنها حرف نزده یا کمتر حرفی به میان است. یا حداقل من نتواندم و ندیدم که نویسند یا فیلمسازی درباره محمود اسکندری حرف زده باشد. همین اندازه بگویم کم که او قهرمان جنگ بود و در عملیات‌های بسیاری شرکت کرده

روزهای سختی خواهیم داشت به همین دلیل آنچه باعث می‌شود روزهای سختم انجام دهم، بنابراین کاری را که دوست دارم و برای من لذت بخش است، انجام می‌دهم. کاری که پراز چالش و تجربه باشد و فیلم «۲۸۸۸» برای من این ویژگی‌ها را داشت. **ایده فیلم «۲۸۸۸» از کجا آمد؟**
علی محمدی: از یک مصاحبه شکل گرفت. تیمسار شهرام رستمی در آن مصاحبه تعریف می‌کرد زمان جنگ به‌عنوان یک خلبان شکاری اف-۱۴ پرواز می‌کرد و ادامه داد در آن زمان فردی به اسم بیژن عاصم در اتاق عملیات بوده که آنقدر در کار خود متخصص بوده که ما حاضر شدیم جان خود را دست او بدهیم. این خاطره در آن مصاحبه برای من و علی موتور محرک شد. هدف ما این بود که جنگ را از درون یک اتاق تاریک روایت کنیم. آدمی که پای دستگانه نشسته و دارد هدایت می‌کند. می‌گویند فرانسویس فورده کاپولا رفت سینما فیلم آگران‌دیسمان آنتونیونی را دید و گفت اگر بخوایم این فیلم را به‌صورت صوتی بسازیم تجربه جذابی می‌شود و بعد رفت فیلم «مکالمه» را ساخت. این مثال را زدیم تا بگویم برای ما وجه صوتی جنگ جذاب بود و فکر کردیم تجربه ساخت یک فیلم صوتی را کسب کنیم. به نظر من کسب چنین تجربه‌ای برای هر فیلمسازی جزء آرزوهاست. دیگر اینکه هر فیلمسازی دوست دارد در کارنامه کاری خود یک فیلم سیاه و سفید بسازد. فیلم «۲۸۸۸» جنگ را از جهت صدا روایت می‌کند و مخاطب مجبور است خوب بشنود تا بتواند خوب تخیل بکند. در واقع با این فیلم به مخاطب کمک کردیم جنگ را تخیل کند.

از خلبان‌های دوران جنگ آماری دارید؟
علی محمدی: این آمار را در تحقیقات به دست آوردیم و براساس پژوهش‌های ما زمانی که انقلاب شد، حدود ۳ هزار خلبان آموزش دیده داشتیم که می‌توانستند در صورت وقوع جنگ وارد خاک دشمن شوند و از میهن دفاع کنند. اما روزی که جنگ شروع می‌شود فقط ۶۹۰ خلبان بودند. واقعیت این است تفکری که دنبال از صحنه بیرون کردن نیروهای کیفی ایران بود دست روی نقطه حساسی گذاشته بود. ۶۹۰ خلبان، ۱۲۶ نفر از آنها را در سه ماه اول جنگ از دست دادیم و تا کنون کسی درباره آنها حرف نزده یا کمتر حرفی به میان است. یا حداقل من نتواندم و ندیدم که نویسند یا فیلمسازی درباره محمود اسکندری حرف زده باشد. همین اندازه بگویم کم که او قهرمان جنگ بود و در عملیات‌های بسیاری شرکت کرده



بنفشه آفریقایی

بازگیری هم به هوتن شکبیا (نقش اول مرد)، الناز شاکردوست (نقش اول زن) و فرشته صدر عرفایی (نقش مکمل زن) بازیگران فیلم «شبی که ماه کامل شد» رسید. علی نصیریان بازیگر فیلم «مسخره‌باز» نیز برنده سیمرغ نقش مکمل شد. در میان بازیگران این دوره مهرداد صدیقیان با چهار فیلم و فرهاد اصلانی، علی صفها بهرام رادان، سعید آقاخانی، بابک حمیدیان، پانته‌آ پناهی‌ها، مهناز افشار، ستاره سبانی و نسیم ادبی هرکدام با سه فیلم عنوان پرکارترین‌های جشنواره را به خود اختصاص دادند.

(محمدحسین مهدویان)، متری شیش و نیم (سعید روستایی)، مردی بدون سایه (علیرضا رئیس‌یان)، مسخره‌باز (همايون غنی‌زاده) و ناگهان درخت (صفي‌بزدانيان) حضور داشتند. در این دوره سیمرغ بلورین بهترین فیلم به «شبی که ماه کامل شد» ساخته ترگس آبیاری رسید و سیمرغ بهترین کارگردانی هم به ترگس آبیاری اهدا شد. فیلم «متری شیش و نیم» ساخته سعید روستایی برنده جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران نیز شد. سه سیمرغ بخش

پالتو شتری (مهدی علی‌میرزایی)، تیغ و ترمه (کیومرث پوراحمد)، جمشیدیه (یلدا جبلی)، خون خدا (مرتضی‌علی عباس میرزایی)، درخونگاه (سیاوش اسعدی)، سال دوم دانشکده من (رسول صدرعاملی)، سرخ‌پوست (نیما جاویدی)، سمفونی نهم (محمدرضا هنرمند)، شی که ماه کامل شد (ترگس آبیاری)، طلا (پرویز شهبازی)، غلامرضا تختی (بهرام توکلی)، قسم (محسن تنابنده)، قصر شیرین (رضا میرکریمی)، ماجرای نیمروز: رد خون

نهم، قصر شیرین، رد خون و جانان‌به این مسائل شدند. تجلیل از فیلم «۲۳» جشنواره فیلم فجر بهترین فیلم از نگاه ملی از دیگر اتفاقات به یاد ماندنی این دوره بود. در این دوره فیلم «شبی که ماه کامل شد» با دریافت شش سیمرغ بیشترین جوایز این دوره را از آن خود کرد. در بخش سودای سیمرغ فیلم‌های آشتنگی (فریدون جیرانی)، ایده اصلی (آرژتا موگویی)، بنفشه آفریقایی (مونا زندی حقیقی)، ۲۳ نفر (مهدی جعفری)،

ایلیا داوودی: سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر به دبیری «ابراهیم داروغه‌زاده» برگزار شد. یکی از حاشیه‌های مهم در این دوره طرح مسائلی پیرامون ورود پول‌های کثیف به سینما بود و خبرنگاران خواستار پاسخگویی تهیه‌کنندگان و سازندگان فیلم‌هایی مانند سمفونی

گاه‌شمار جشنواره
سی و هفتمین دوره
بهمن ۱۳۹۷